

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده

است که فرمودند:

لَيْسَ الْعِلْمُ فِي السَّمَاءِ فَيَنْزِلُ إِلَيْكُمْ، وَلَا فِي تَحْوِمِ الْأَرْضِ فَيَخْرُجُ لَكُمْ؛ وَلَكِنَّ الْعِلْمَ مَجْبُودٌ فِي قُلُوبِكُمْ. تَخَلَّقُوا بِأَخْلَاقِ الرُّوحَانِيِّينَ حَتَّى يَظْهَرَ لَكُمْ.<sup>۱</sup>

«علم در آسمان‌ها نیست تا اینکه به آن صعود

کنید، و در زمین نیز نیست تا اینکه آن را در

اعماق زمین بیابید؛ بلکه علم در خود شما است

و در نفوس شماست. به اخلاق روحانیین متخلق

شوید تا اینکه از زمره آنها گردید.»

مسئله اخلاق از مسائل بسیار مهم است، بلکه

مهم‌ترین مسئله‌ای است که از دیرباز محط نظر

بزرگان و علما و متخلّقین به اخلاق حسنه بوده

است. بدین لحاظ، بزرگان برای مسئله اخلاق،

کتاب‌های مختلف و تألیفات بسیاری به انجام

رسانیده‌اند؛ مانند کتاب محجة البيضاء و

هم‌چنین سایر کتبی که از بزرگان در این زمینه

آمده

<sup>۱</sup> کلمات مکنونه، ص ۲۴۸، با قدری اختلاف.



است و همه تأکید دارند بر عدم کفایت علم بدون تخلّق به اخلاق و عدم کفایت فراگیری و به دنبال علوم و فنون مختلفه رفتن و صرفاً دریچهٔ ذهن و نفس را انباشته از علوم و فنون مختلف نمودن.

لهذا ما می‌بینیم که اولیای الهی و به‌خصوص انبیاء، برای تبدل اخلاق سیئه به اخلاق حسنه در انسان مبعوث شده‌اند؛ و این بعثت به معنای حرکت از عالم حیوانیّت و عالم بهیمیّت و عالم شهوات و عوالم نفس و دنیای مادون، و صعود به عوالم ربوبی و صفاتی است که خدای متعال، خود متخلّق به این صفات است. و لهذا کسی که دارای اخلاق حسنه می‌شود، این بدین معنا است که به صفات باری تعالی متّصف می‌شود، که بازگشت آن به مسئلهٔ توحید و اصل توحید است؛ و این نهایت حرکت انسان و سیر انسان خواهد بود.

مرحوم والد - رضوان الله علیه - از زمان رجوع از نجف به ایران، هم‌چنان که خود در سیر و سلوک الی الله دارای اساتید و برنامه و سیرهٔ خاصی بودند و آن را دنبال می‌کردند، هم‌چنین دائماً نسبت به تشکیل مجالس اخلاقی و سوق دادن افراد به وادی توحید و آموختن و تعلیم راه و مرام اولیای دین و ائمهٔ اطهار سلام

الله عليهم أجمعين اهتمام کامل داشتند، و در این زمینه به برگزاری و احیاء مجالس و عظ و سخنرانی به مناسبت‌های مختلف، در مسجد قائم و همچنین در منازل اقدام می‌کردند و شاگردانی در این زمینه تربیت نمودند و بحمد الله و المنة در این زمینه سعی کافی و بلیغی در رساندن مبانی اخلاقی به افراد ایفاء نمودند. و این مهم با تفسیر آیات قرآن کریم در مسجد قائم و همچنین تفسیر نهج البلاغه و مسائل مختلفه دیگر، از جمله مسائل کلامی، در مسجد قائم و در منازل دوستان، رائج و دارج بوده است. کتاب پیش‌رو نمونه‌ای از طرح مبانی اخلاقی از مرحوم والد است که در زمینه تفسیر آیات قرآن و همچنین سایر متون دینی و مناسبت‌های مختلف ایراد شده است.

امیدواریم که همه بتوانند از تراوشات فکری و نفس ملکوتی آن بزرگ، که

این مطالب با حس و لمس و درک واقع، از  
دریچهٔ نفس آن شخصیت بزرگ تراوش پیدا  
کرده است، بهره‌مند گردند.

و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

اوّل رجب المرجّب ۱۴۴۰ هجری قمری

مشهد مقدّس رضوی، علیٰ ثاویها آلاف

التَّحِيَّةُ وَ الثَّنَاءُ

سیّد محمّد محسن حسینی طهرانی<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup> این مقدمه گرانسنگ، آخرین بیانات گهربار عارف بالله و بأمر الله حضرت  
آیة الله حاج سیّد محمّد محسن حسینی طهرانی - رضوان الله علیه - می باشد  
که جهت کتاب حاضر بیان نموده و توسط مجمع تحقیق مکتب وحی تدوین  
گردیده است.

در اینجا خامهٔ عنبرآمیز او از فیضان مشک و عبیر باز ایستاد، و بنان  
جوهر اثرش از نشر لآلی و درر تابناک معارف حقّه الهیه فروماند. قلبی که  
یک عمر برای اعتلای کلمهٔ توحید و تبیین مقام ولایت کلیّه الهیه و دفاع از  
حریم تشیّع و مبانی اصیل فرهنگ اسلامی می طپید، مقارن اذان ظهر روز  
پنجشنبه بیست و ششم شعبان المعظم سنهٔ یک هزار و چهارصد و چهل  
هجریهٔ قمریه در عتبهٔ مقدّسه حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه  
آلاف التّحیّة و الثّناء از حرکت باز ایستاد.

نفس قدسی اش به ندای ﴿أَرَجَعِيَ ۞﴾ لَبَّیک گفته، سرمست از بادهٔ  
﴿وَسَقَىٰ لَهُمُ ۞ رَبُّهُمْ ۞ شَرَابًا طَهُورًا﴾ شاهد وصل را در آغوش کشید و  
به ریاض قدس ﴿فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ ۞ مُّقْتَدِرٍ ۞﴾ پرواز  
نمود؛ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَحْمَةٌ وَاسِعَةٌ.